



نه آنا رشیسم نه محافظه‌کاری

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب: انقلاب اسلامی میان چوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظرنگهی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کنند.

کرد و هیچ کس و هیچ چیزی نباید مانع و سد راه این موضوع باشد. آنها معتقدند که علت‌العلل نهضت انقلاب اسلامی، برپایی کامل آرمان‌ها و شعارهای آن بوده است، بنابراین اگر در مسأله‌ای، ساختار کنونی جمهوری اسلامی، قابلیت تحقق آن آرمان‌ها را نداشت، می‌توان از آن هم حتی عبور کرد و معطل نماند. خروجی چنین تفکری، چیزی جز "آنا رشیسم" نیست. درحالی که هر سیاستمدار و اهل تفکری خوب می‌داند که اگر ساختارهای یک نظام سیاسی ولو با توجیهات درست و با سردست گرفتن شعارهای مقدس (مثلاً روحیه انقلابی‌گری یا عدالتخواهی) زیر سؤال رفت، اساساً قوام و تداوم جامعه با مخاطرات عیددهای مواجه خواهد شد. برای همین رهبر انقلاب صراحتاً فرمودند: «انقلابی‌گری هم فقط در بستر نظام امکان‌پذیر است... این جور نباشد که بعضی نظام‌ها نفی کنند به‌عنوان اینکه ما انقلابی هستیم؛ ارزش‌های نظام، ارکان نظام، بنیانهای نظام را زیر سؤال ببرند به‌عنوان اینکه ما انقلابی هستیم. انقلابی‌گری به معنای ویرانگری نیست. انقلابی‌گری یک مشی صحیح و عاقلانه و پُرانگیزه و پُر امید و شجاعانه به سمت اهداف والا است؛ این تعریف و معنای انقلابی‌گری است؛ و این فقط در بستر و مسیر نظام اسلامی یعنی نظام موجود امکان‌پذیر است؛ خارج از این امکان‌پذیر نیست. انقلابی‌گری، ساختار شکنی نیست؛ تخریب نظام ناشی از انقلاب نیست.» ۹۷/۳/۱۷ <

انقلاب اسلامی برخلاف سایر انقلاب‌های دیگر، انقلابی تک‌علتی نبوده است. انقلاب‌های دنیا، معمولاً با عامل اقتصادی و طبقاتی داشتند، یا سیاسی، یا اجتماعی و امثالهم. اما انقلاب اسلامی «یک انقلاب همه‌جانبه است. مثل خود اسلام است. همانطوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بعد اقتصادی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روز به روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است.» ۸۷/۳/۱۴

دلیل دیگر هم اینکه دینامیسم انقلاب اسلامی ایران برخلاف همه‌ی انقلاب‌های دیگر، نه یک امر بیرونی، که مبتنی بر یک «تحول درونی» است، تحولی که ابتدا در درون انسان‌ها رقم می‌خورد. یعنی «انقلاب، انقلاب مردم است. انقلاب مناسبات اجتماعی و اقتصادی، فرع بر انقلاب مردم است. تا مردم منقلب نشوند، آن انقلاب اقتصادی و تغییر و تبدیل مناسبات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هم اصلاً تحقق پیدا نمی‌کند.» ۶۹/۱۲/۱۰

● انقلابی‌گری به معنای ویرانگری نیست

انقلاب اسلامی اما در این مقطع کنونی، با دو جریان مواجه است: جریانی که معتقد است برای مطالبه‌ی آرمان‌ها و استقرار شعارهای انقلاب، حتی می‌توان از "ساختارها" هم عبور

انقلاب‌ها همیشه موضوعی جذاب برای جامعه‌شناسان و سیاستمداران در صدسال اخیر بوده است. برای همین، درباره‌ی انقلاب، نظریه‌پردازی‌های عدیده و مختلفی شده است. مثلاً کریین برین تون، یکی از نظریه‌پردازان انقلاب در کتاب «کالبدشکافی چهار انقلاب» معتقد است در هر انقلابی، پس از پیروزی انقلابیون، دوران امید و شادی که متمایز از دوران ماقبل انقلاب است آغاز می‌شود. او این دوران را دوران ماه عسل انقلاب می‌خواند. دورانی که حکومت پیشین فروپاشیده و نظام جدید جای آن را گرفته است. اما دوران ماه عسل، خیلی زود تمام می‌شود و با شکل‌گیری تضادهای درون انقلاب، موجبات مرگ انقلاب فراهم می‌شود.

مرحوم شریعتی هم درباره‌ی خطر تبدیل شدن "نهضت" به "نهاد" مباحثی را مطرح کرده بود. او معتقد بود در جامعه، یک حرکتی بر مبنای شکل‌گیری ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها به وجود می‌آید و در صدد برهم‌زدن وضع موجود است. اما همین که حرکت، وضع موجود را از بین برده و به پیروزی رسید و مبارزه تمام شد، حالت انقلابی‌اش را از دست داده و محافظه‌کار می‌شود.

● انقلابی‌گری به خلاف آمد عادت

نظیر چنین تحلیل‌هایی، درباره‌ی انقلاب اسلامی ایران نیز در پاره‌ای از مواقع استفاده شده است. درحالی که اساساً این مشابَهت‌سازی‌ها به دلایل مختلف اشتباه است. یک دلیل آنکه



درد خدا بر این جوان‌های اصفهانی | این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه شهدای حمله تروریستی به اتوبوس پاسداران انقلاب اسلامی

ما که خیلی شهید داده‌ایم اما این نکته قابل تأمل است و ما را باید آگاه کند، هشیار کند که امنیت به چه قیمتی به دست می‌آید... به قیمت خون جوانان ما و بهترین جوان‌های ما. درد خدا بر این جوان‌های اصفهانی، درد ملانکه‌ی الهی بر آنها، درد خدا بر مردم شهیدپرور اصفهان که هر پرروز آن تشییع جنازه‌ی عجیب را برای این جوان‌ها به راه انداختند. مردم اصفهان هم جزو پیشگامان این نهضت و این حرکتند. این خیلی کار مهمی است... درد خدا بر سپاه پاسداران و بقیه‌ی عناصر حافظ امنیت؛ بر نیروی انتظامی، بر ارتش و دیگران که این جور فداکاری می‌کنند و جانبازی می‌کنند. این انقلاب، این عزت ملی، این امنیت، با این جانفشانی‌ها به دست آمده. ۹۷/۱۱/۲۹ ●



دولتی‌ها مواظب باشند که از اروپایی‌ها فریب نخورند!

توصیه به مسئولین کشور این است که دشمن را درست بشناسند، فریب خدعه‌ی دشمن را نخورند. دشمن از طرق مختلف وارد می‌شود؛ گاهی دندان نشان می‌دهد، گاهی مشت نشان می‌دهد، گاهی هم لبخند نشان می‌دهد؛ همه‌ی اینها به یک معنا است. لبخند دشمن هم مثل همان دندان نشان دادن دشمن است، فرقی نمی‌کند، دشمنی است: قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ؛ آنچه در دل‌های نجس و سرشار از بغض و کینه‌ی آنها وجود دارد از اسلام و مسلمین و بخصوص جمهوری اسلامی، خیلی بیشتر از آن چیزی است که در حرف‌هایشان ظاهر می‌شود. فریب دشمن را نخورند، خدعه‌ی دشمن را قبول نکنند. امروز شما ملاحظه می‌کنید که غربی‌ها به معنای واقعی کلمه دارند خدعه می‌کنند. حالا کار آمریکا که دیگر از خدعه گذشته و کاملاً آشکار و شمشیر از رو [بسته] است، [اما] اروپایی‌ها هم دارند همین جور با خدعه عمل می‌کنند. من نمی‌گویم چه کار کنند؛ دولتی‌ها بنشینند فکر کنند، [منتها] مواظب باشند مخدوع نشوند، مواظب باشند فریب نخورند، از دشمن رودست نخورند، به امید اینکه بتوانیم یک کاری بکنیم، خودشان را و ملت را دچار مشکل نکنند؛ هم فریب نخورند، هم از دشمن وحشت نکنند؛ بدانند که دست خدا بالای دست‌ها است و خدای متعال طرفدار و پشتیبان ملتی است که دین او را نصرت می‌کنند و یاری می‌کنند و این ملت بحمدالله این کار را انجام خواهد داد. ● ۹۷/۱۱/۲۹

پرش پاسخ

بزرگترین آسیب و اشکال برای محیط دانشجویی چیست؟

بدترین اشکال و اشکال وارد بر محیط دانشجویی این است که دانشجو دچار محافظه‌کاری شود و حرفش را با ملاحظه‌ی موقع و مصلحت خیالی بیان کند؛ نه، دانشجو باید حرفش را صریح بزند. البته در کنار این صراحت در بیان، صداقت در نیت هم باید وجود داشته باشد و در کنار او، سرعت در پذیرش خطا؛ اگر ثابت شد که خطاست. فرق شمای جوان و دانشجو و صادق و پاکیزه‌دل، با یک آدم سیاسی کار باید در همین باشد؛ حرف‌تان را صریح بزنید؛ آنچه را که می‌زنید، از دل بزنید؛ و اگر چنانچه معلوم شد که اشتباه است، سریع پس بگیرید؛ راحت، این، به نظر من یکی از بهترین شاخصه‌های دانشجویی است. ● ۸۷/۷/۷

۷ پرسش و پاسخ از بیانیه گام دوم انقلاب

کلید همه قفل‌ها

انقلاب اسلامی چهلمین بهار پیروزی خود را هم پشت سر گذاشت و مردم با حضور پرشور خود در راهپیمایی ۲۲ بهمن، آغاز ورود به دهه‌ی پنجم را جشن گرفتند. رهبر انقلاب در ضمن بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» و در راستای استمرار مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، با برشمردن مزیت‌ها و کاستی‌های این راه‌طی‌شده، رهنمودهایی را برای رسیدن به «آینده‌ی روشن» و ادامه‌ی دنباله‌ی این مسیر که به بیان ایشان به دشواری گذشته‌ها نیست، خطاب به جوانان و عموم مردم صادر کردند. **خط حزب الله** در اطلاع‌نگاشت زیر در قالب پرسش و پاسخ، به برخی از محورهای این بیانیه پرداخته است.



۱. انقلاب چه برکاتی برای مردم و جوانان داشت؟

رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد. جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد. روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد. ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را پدید آورد. موتور پیشبران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد. مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی به اوج رسانید. بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. کفهی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد. نماد پر آبهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدان و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روز به روز برجسته‌تر شد.



۳

۲

۱

۳. نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد جوانان در گام دوم چیست؟

پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ



گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش در برابر چشم شماست. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست و دل‌های امین و خدمتگزار، به مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

۲. جوانان در گام دوم انقلاب چه وظیفه‌ای دارند؟

راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیرافتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری



اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هوشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید نشانه‌های خود را به زیربار مسئولیت‌دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل‌جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.

۱. انقلابی‌گری برای همیشه

درست نقطه‌ی مقابل این جریان، تفکر "دیوان‌سالاری" و "تکنوکراسی" قرار دارد. جریان‌ی که معتقد است روحیه‌ی انقلابی‌گری، برای زمان پیروزی انقلاب است نه استقرار آن، شعارهای انقلاب هم به درد انقلاب کردن می‌خورد نه حکومت کردن. از نظر اینان، انقلاب و بنابر این بلافاصله بعد از پیروزی، تند جامعه "است و بنابر این بلافاصله بعد از پیروزی، می‌بایست به وضعیت "عادی" (نرمال) بازگشت. خروجی چنین نگاهی، چیزی جز "محافظه‌کاری" و تسلیم صرف ساختار شدن نیست. «در مجموعه‌ی انقلاب، از اول انقلاب یک تفکر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب، تا وقت تشکیل نظام است؛ وقتی که نظام تشکیل شد و نهادها و مقررات و دیوان‌سالاری و مانند اینها مستقر شد، دیگر انقلاب برود دنبال کارش؛ دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنای کننده تنش و دعوا و سروصدا و کارهای غیر قانونی و از این حرف‌ها... اگر وسط راه به این نتیجه رسیدیم که انقلاب دیگر لازم نیست، دیگر دیوان‌سالاری و تشکیلات حکومت اِباشد، آرمان‌ها تحقق پیدا نمی‌کند. مگر ما اصلاً انقلاب کردیم برای اینکه آنها بروند، حکومت را بدهند به ما؟ مگر برای این انقلاب کردیم که حکومت را بگیریم؟... هدف این نبود که یک عده‌ای مدیریت را تحویل ما بدهند، ما هم مثل آنها شروع کنیم مدیریت کردن، منتها [آنها] آدم‌های بدی بودند، ما آدم‌هایی خوبی باشیم؛ که اگر آن جور باشد خوب هم نمی‌مانیم؛ انسان خوب هم نمی‌ماند. پس بنابر این، انقلاب باید استمرار پیدا کند.» ۹۷/۳/۷

● راهکار رهبر انقلاب برای خروج از این دو آفت

راه‌حل دچار نشدن به این دو آفت اما همانی است که رهبر انقلاب در بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» به آن اشاره کردند: دفاع از نظریه‌ی «نظام انقلابی». نظام انقلابی آنگونه که رهبر انقلاب تشریح می‌کنند، نه این است و نه آن: «نظام اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بینند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا بد دفاع می‌کند.» ۹۷/۱۱/۲۲ در نظام انقلابی می‌توان در عین پایبند بودن به ساختار، انقلابی هم ماند و برای بهبود ساختار، تلاش شبانه‌روزی کرد. در نظام انقلابی، اصل بر "ساختن" است نه "تاختن". اصل بر "حرکت" است نه "جمود". که نظام انقلابی «همچون پدیده‌ای زنده و بالارده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به‌نقد احساسات مثبت‌نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ‌بانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد.» ۹۷/۱۱/۲۲

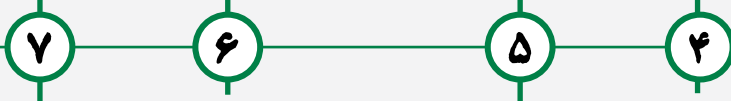
۵. برای مبارزه با فساد و استقرار عدالت، چه انسان‌هایی نیاز است؟

«عدالت» و «مبارزه با فساد» لازم و ملزوم یکدیگرند... همه باید بدانند که «طهارت اقتصادی» شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص بر حذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر، و منیع‌الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.



۴. منشأ مشکلات چیست و راه‌حل کجاست؟

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه‌زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی ناخوشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود.



۷. تفاوت ایران امروز با ایران آغاز انقلاب چیست؟

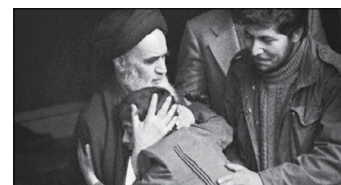
ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم رافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است... و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خوددفر و خسته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد.



۶. وضعیت عدالت در ایران بعد از انقلاب اسلامی چگونه است؟

واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دور دست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین دست آن بوده است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم‌امید برای اجرای آن به شما جوان‌ها است.





شرح حدیث

سخن نیکو رزق انسان را زیاد می‌کند

ابو حمزه می‌ثمالی از حضرت امام سجاد (ع) روایت می‌کند که [حضرت فرمود: سخن نیکو مال دنیا را برای انسان زیاد می‌کند. «و يُنَمِّي الرِّزْقَ»، رزق انسان را زیاد می‌کند و نماء می‌دهد. «وَيَنْسِي فِي الْأَجْلِ»، اجل انسان را به تأخیر می‌اندازد. «و يُحَبِّبُ إِلَى الْأَهْلِ»، انسان را در میان اهل خود و خانواده‌ی خود محبوب می‌کند. اینها همه آثار دنیایی سخن نیکو و قول حسن است؛ یعنی سخنی که هم با موازین شرع منطبق است [مانند] اسم خدا و پیغمبر و قیامت و دنیا و حدیث و زندگی دینی و سعادت‌مندان و ضمناً با روی خوش بیان شود؛ قول حسن طبعاً لازمه‌اش این است که با روی خوش و با زبان خوش ادا بشود. آثار دنیوی‌اش اینها است. «وَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ»، این هم اثر اخروی‌اش است که انسان را به بهشت می‌کشانند. ۹۴/۲/۸

(۱) الامالی شیخ صدوق، صفحه ۵۰

روش تحلیل سیاسی

نباید مسائل حاشیه‌ای کانون توجه افکار عمومی قرار بگیرد

در بسیاری از اوقات یک مسئله‌ی اصلی در کشور وجود دارد که همه باید همت کنند و به سراغ این مسئله‌ی اصلی بروند؛ باید مسئله‌ی کانونی کشور این باشد؛ اما ناگهان می‌بینیم از یک گوشه‌ای یک صدائی بلند می‌شود، یک مسئله‌ی حاشیه‌ای درست می‌کنند، ذهن‌ها متوجه آن می‌شود. این مثل این می‌ماند که در یک مسافرت مهمی، کاروانی، قطاری دارد حرکت می‌کند، هدفش رسیدن به یک نقطه‌ی خاص است؛ ناگهان ذهن‌ها را مشغول کنند به یک چیز حاشیه‌ای در بیابان، از راه باز بمانند، احياناً امکان ادامه‌ی حرکت هم از آنها گرفته شود. مسائل حاشیه‌ای نباید به میان بیاید. مردم ما خوشبختانه قدرت تحلیل دارند، هوشمندند، هوشیارند؛ می‌توانند مسائل فرعی و حاشیه‌ای را از مسائل اصلی جدا کنند. توجه شود مسائل حاشیه‌ای کانون توجه افکار عمومی قرار نگیرد. ۹۰/۱/۱

این پاسدارها بودند که مملکت را در زمانی که هیچ کس نمی‌توانست، حفظ کردند

شما این را بدانید که من به شماها علاقه دارم؛ به پاسدارها، پاسدارها بودند که مملکت

ما را در یک زمانی که هیچ کس نمی‌توانست حفظ بکند، اینها حفظ کردند. الآن هم دارند حفظ می‌کنند. این یک علاقه‌ی الهی است که ما به شما داریم، و این را بدانید که یک مطلبی که بر خلاف صلاح شما باشد، این

بر خلاف صلاح اسلام است، و ما نخواهیم زد. لکن اگر یک مطلبی را من الآن گفتم به شما، که باید راه را چطور رفت، بدانید که این هم صلاح شماست، و هم صلاح مملکت‌تان است. ۵۸/۹/۴

نوح البلاغه

هر جا که به امیر المؤمنین (ع) نیاز بود حضور داشت و لو هیچ کس نبود

این، آن علی در خشان تاریخ است؛ خورشیدی که قرن‌ها درخشیده و روز به روز درخشان‌تر شده است. این بزرگوار، هر جا که گوهر انسانی وجودش لازم بود، حضور داشت؛ و لو هیچ کس نبود، می‌فرمود: «لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله امله (۱)»؛ اگر در اقلیت‌اید و همه یا اکثریت مردم دنیا با شما بدند و راهتان را قبول ندارند، وحشت نکنید و از راه برنگردید. وقتی راه درست را تشخیص دادید، با همه‌ی وجود آن را بپیمایید. این منطق امیر المؤمنین (ع) بود؛ منطقی شجاعانه که آن را در زندگی خود به کار بست. در حکومت خود هم که کمتر از پنج سال طول کشید، باز همین منطق امیر المؤمنین (ع) بود. هر چه نگاه می‌کنید، شجاعت است. ۷۴/۱۱/۲۰

(۱) خطبه ۲۰

خاطرات رهبری

امام می‌گفتند نگذارید بحث‌های سیاسی به کدورت بینجامد

امام (ع) - البته نه به دانش‌جویان - مکرر به سیاستمداران و نمایندگان و مسئولان و فعالان سیاسی توصیه می‌کردند و می‌گفتند مثل مباحثه‌ی طلبه‌ها رفتار کنید. طلبه‌ها در هنگام مباحثه، گاهی اوقات علیه هم عصبانی می‌شوند - حالا مضمون هم می‌گویند به طلبه‌ها، می‌گویند کتاب تو سر هم می‌زنند! که البته چنین چیزی نیست - بحث می‌کنند، داد می‌کشند؛ کسی نگاه کند، خیال می‌کند این‌ها می‌خواهند مثلاً همدیگر را تکه‌پاره کنند؛ در حالی که نه، مباحثه که تمام می‌شود، بلند می‌شوند می‌روند با همدیگر سر سفره می‌نشینند و آبگوشت‌شان را می‌خورند، با هم حرف می‌زنند، با هم دوست‌اند، رفیق‌اند. امام می‌گفتند: سیاسیون - چه در مجلس، چه در دولت، چه در حزب جمهوری اسلامی که آن وقت ما داشتیم، یا بقیه‌ی عرصه‌های سیاسی - این جوری با هم رفتار کنند. ممکن است اختلاف نظر هم باشد، بگومگو هم باشد، اما نگذارید کدورت و دشمنی به میان بیاید. ۹۲/۵/۶



مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما هنگام کوهپیمایی | ۷۵/۶/۲

ورزش برای جوان‌ها لازم، برای مسن‌ها واجب مؤکد است

همان‌طور که ورزش برای جوان‌ها لازم است، برای مسن‌ها واجب مؤکد است. بلکه می‌شود گفت برای جوان‌ها لازم است، برای مسن‌ها واجب مؤکد است... گاهی من در همین راه «کُلک چال»... خانم‌هایی را می‌بینم که با چادر مشکی این راه را طی می‌کنند. با این که قسمتی از این راه، بسیار ناهموار و یا به قول ما مشهدی‌ها قلب است، در عین حال خانم‌ها این راه ناهموار را تحمل می‌کنند و با چادر مشکی می‌آیند. خوب؛ این همت است دیگر. من این‌طور زنها و همچنین افراد مستی که این راه‌های طولانی را طی می‌کنند و می‌روند، بسیار تحسین می‌کنم. ۷۵/۶/۲

خانواده ایرانی

زنان باید در فعالیت‌های اجتماعی شرکت داشته باشند

ما معتقدیم زنان در هر جامعه‌ی سالم بشری قادرند و می‌باید فرصت پیدا کنند که در حد سهم خود، تلاش و مسابقه‌ی خویش را در پیشرفت‌های علمی و اجتماعی و سازندگی و اداره‌ی این جهان به عهده بگیرند. از این جهت، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست. هدف از آفرینش هر فرد انسان، عبارت از همان هدف آفرینش بشریت است؛ یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از بیشترین فضایی که یک انسان می‌تواند به آن فضایل آراسته بشود. فرقی هم بین زن و مرد نیست. نشانه‌اش در درجه‌ی اول، فاطمه‌ی زهرا (ع) و در درجه‌ی بعد، دیگر زنان بزرگ تاریخ است. ۶۸/۱۰/۲۶

حزب‌الله این است

جوان‌ها برای رساندن کشور به قله، خودسازی کنند

من به شما جوان‌ها عرض می‌کنم - چون فردا مال شما جوان‌هاست، این کشور مال شما جوان‌هاست - که جوان‌ها خودسازی کنند، خود را آماده کنند از لحاظ روحی، هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ علمی، هم از لحاظ درس خواندن، هم از لحاظ جسمی، هم از لحاظ توانایی‌های مدیریتی، تشکیلاتی، انجمن‌ها - آینده‌ی این کشور مال شما است، باید بتوانید آن را اداره کنید. این کشور را می‌توانید سر قله برسانید. ۹۷/۱۱/۲۹